

تحلیل و بررسی علمی و کاربردی دیه مقدر اعضاء از منظر فقه و قانون

بخش دوم: دیه بینی، لاله گوش و لب

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و قاضی دیوان عالی کشور

چکیده

آن‌گونه که در بخش اول مقاله (چاپ شده در شماره ۱۶۶ نشریه حاضر) بیان شد، سومین فصل از بخش دوم کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی به دیه مقدر اعضاء بدن انسان پرداخته است. در بخش نخست، دیه مو و چشم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در این مقاله به دیه بینی، لاله گوش و لب پرداخته خواهد شد. در این نوشتار مواد ۵۹۲ الی ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و مسائل فقهی، حقوقی و قضایی هر یک از مواد بیان شده است.

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و توجه به رویه قضایی به شرح و تحلیل مواد قانونی می‌پردازد و احکام و مسائل قضایی هر یک از مواد قانونی را بیان می‌کند.

گفتار اول: دیه بینی

نخستین گفتار به دیه بینی اشاره دارد که در هر ماده قانونی مسائل و احکام آن بیان می‌شود. ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرماه‌ای که پایین استخوان بینی است دیه کامل دارد. از بین بردن تمام نرماه یا تمام یا مقداری از استخوان بینی در صورتی که در یک دفعه باشد موجب دیه کامل است لکن اگر نرماه بینی در یک دفعه و تمام یا مقداری از استخوان بینی در دفعه دیگر از بین برود، برای نرماه دیه کامل و برای استخوان ارش تعیین می‌شود». سابقاً مشابه حکم مقرر در این ماده در مواد ۳۸۰ و ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین نحو مطرح شده بود. ماده ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی سابق اشعار می‌داشت: «از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرماه آن که پایین قصب و استخوان بینی است موجب دیه کامل است و از بین بردن مقداری از نرماه بینی موجب همان نسبت دیه می‌باشد» و ماده ۳۸۱ قانون مزبور نیز بیان داشته بود: «از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرماه آن موجب دیه کامل و ارش می‌باشد».

در خصوص ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی باید گفت این ماده در مقام بیان چند حکم به شرح زیر در خصوص ایراد صدمه به بینی است:

نخست، قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرماه‌ای که پایین استخوان بینی است دیه کامل دارد؛

دوم، از بین بردن تمام نرمه به همراه تمام یا مقداری از استخوان بینی در صورتی که در یک دفعه باشد موجب دیه کامل است؛

سوم، اگر نرمه بینی در یک دفعه و تمام یا مقداری از استخوان بینی در دفعه دیگر از بین برود، برای نرمه دیه کامل و برای استخوان ارش تعیین می‌شود.

لازم به ذکر است که در حکم این ماده فرقی نمی‌کند که آسیب‌ها توسط یک نفر وارد شده باشد یا چند نفر. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در خصوص جبران خسارت انحراف بینی طی نظریه مشورتی که در زمان حاکمیت قانون مجازات اسلامی سابق صادر شده بود، اظهار داشته است: «در مورد صدمه منتهی به انحراف بینی باید نظر پزشکی قانونی تحصیل شود».^(۱) این حکم در ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی جدید به این شرح آمده است که «در کج شدن بینی... ارش ثابت است».

ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص دیه شکستن استخوان بینی اشعار می‌دارد: «شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود موجب یک‌دهم دیه کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند موجب ارش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود ارش ثابت می‌شود».

سابقاً نیز مقنن در ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه مقرر کرده بود: «اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که اصلاح نشود موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار می‌باشد».

این ماده که حکم آن بین حقوق‌دانان بسیار مورد اختلاف است و به علت برداشت‌های مختلف و صدور آرای متعارض، منتهی به صدور رأی وحدت رویه نیز شده است، در مقام بیان چند مطلب به شرح زیر در خصوص شکستگی استخوان بینی است:

نخست، شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود دیه کامل دارد؛ دوم، شکستن استخوان بینی در فرض سابق که موجب فساد شده است در صورتی که بدون عیب و نقص اصلاح شود، موجب یک‌دهم دیه کامل است؛

سوم، شکستن استخوان بینی در فرض سابق که موجب فساد شده است در صورتی که با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب ارش است؛

چهارم، اگر استخوان بینی بشکند، ولی شکستگی آن همراه با فساد نباشد نیز ارش ثابت است؛

پنجم، در کج شدن بینی بدون اینکه بشکند و موجب فساد شود ارش ثابت است؛

ششم، در شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود ارش ثابت می‌شود.

در این راستا رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۲/۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص این

ماده مقرر می‌دارد: «مستفاد از مقررات مبحث سوم از فصل سوم بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سوابق تقنینی راجع به دیه بینی، چنانچه صدمه وارده به این عضو، بدون آسیب به قسمت‌های دیگر آن، فقط به شکستگی استخوان منجر شود و این شکستگی بدون ایجاد عیب و نقص اصلاح و جبران شود موجب یک‌دهم دیه کامل خواهد بود».

سؤالی که در این خصوص قابل طرح می‌باشد این است که با توجه به اینکه در ماده ۵۹۳ شکستن استخوان بینی در صورتی که بدون عیب و نقص اصلاح شود دیه دارد ولی چنانچه این شکستگی منجر به فساد آن نشود ارزش دارد، تفاوت بین دو عبارت «بدون عیب و نقص» و «منجر به فساد نشود» چیست؟ آیا منظور از فساد اخیر، کم شدن منفعت (بویایی) است؟

در پاسخ به نظر می‌رسد قانون‌گذار در این ماده، پنج صورت را درباره شکستگی استخوان بینی بیان کرده است: نخست، استخوان بینی به گونه‌ای بشکند که بینی فاسد و از بین برود و اصلاح نشود که در این صورت دیه کامل ثابت است؛

دوم، استخوان بینی بشکند و بینی نیز فاسد شود، ولی بدون نقص و عیب اصلاح شود و در این صورت یک‌دهم دیه کامل ثابت است؛

سوم، استخوان بینی بشکند و بینی نیز فاسد شود، ولی با نقص و عیب اصلاح شود که در این صورت ارزش ثابت است؛

چهارم، استخوان بینی بشکند ولی شکستگی آن همراه با فساد نباشد. در این صورت نیز ارزش ثابت است؛ پنجم، بینی بدون اینکه استخوان آن بشکند کج شود. در این صورت ارزش ثابت است.

عبارت مقرر در صدر این ماده (چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود، موجب یک‌دهم دیه کامل)، ناظر به فرض دوم است؛ در حالی که عبارت: «شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود» ذیل این ماده ناظر به صورت چهارم است و فرق بین صورت‌های دوم و چهارم آشکار است. در صورت دوم شکستگی استخوان همراه با فساد و از بین رفتن آن است هرچند این فساد اصلاح شود؛ ولی صورت چهارم شکستن استخوان همراه با فساد و از بین رفتن آن نیست.

مراد از فساد بینی آن است که شکستگی استخوان به قدری شدید باشد که یکی از دو عارضه افتادن بینی روی صورت یا تغییر کلی صورت طبیعی آن را به دنبال داشته باشد.

این سؤال نیز قابل طرح است که آیا فساد بینی قابل تشخیص است؟

در پاسخ به نظر می‌رسد تشخیص فساد بینی مبنی بر اینکه بینی افتادگی پیدا کرده یا از حالت طبیعی به‌طور کلی برگشته است بر عهده کارشناس است.

همچنین آیا بر اساس ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که شکستگی استخوان بینی بدون عیب

درمان شود یک‌دهم دیه کامل به مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد و اگر با عیب و نقص بهبود یابد موجب ارش است. آیا ارش تعلق یافته بایستی بیشتر از یک‌دهم باشد یا کم‌تر را هم شامل می‌شود؛ زیرا پزشکی قانونی در صورتی که شکستگی معیوب درمان شود کم‌تر از یک‌دهم ارش تعیین می‌کند؟

در این خصوص باید گفت از روشی که در ماده ۴۴۹ همین قانون برای تعیین مقدار ارش معین شده است استنباط می‌شود که اگر استخوان بینی به گونه‌ای بشکند که فاسد شود و با عیب و نقص اصلاح شود، مقدار ارش لازم باید بیش از یک‌دهم دیه کامل تعیین شود.

ماده ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص از بین رفتن هر یک از پره‌های بینی یا پرده میان دو سوراخ این‌گونه آورده است: «از بین بردن هر یک از پره‌های بینی یا پرده میان دو سوراخ موجب یک‌سوم دیه کامل است.»

به لحاظ سابقه تقنینی باید گفت؛ حکم این ماده در ماده ۳۸۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین نحو بیان شده بود: «از بین بردن هر یک از سوراخ‌های بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می‌باشد.»

این ماده در خصوص جنایت بر بینی دو حکم به شرح زیر را بیان می‌دارد:

نخست، از بین بردن هر یک از پره‌های بینی موجب یک‌سوم دیه کامل است؛

دوم، از بین بردن پرده میان دو سوراخ، موجب یک‌سوم دیه کامل است.

در خصوص دیه از بین بردن یک سوراخ بینی در میان فقها اختلاف نظر است:

نخست، دیه آن نصف دیه کامل است؛^(۱)

دوم، دیه آن ثلث دیه کامل است؛^(۲)

سوم، دیه آن ربع دیه کامل است.^(۳)

قانون‌گذار ما در این ماده نظر ثلث را پذیرفته است.

ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی پیرامون دیه فلج کردن بینی و از بین بردن بینی فلج بیان داشته است: «فلج کردن بینی موجب دوسوم دیه کامل و از بین بردن بینی فلج موجب یک‌سوم دیه کامل است.» این ماده تکرار ماده ۳۸۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است که مقرر می‌داشت: «فلج کردن بینی موجب دوثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث دیه کامل می‌باشد.»

این ماده در مقام بیان چند حکم به شرح زیر است:

نخست، فلج کردن بینی موجب دوسوم دیه کامل است؛

دوم، از بین بردن بینی فلج موجب یک‌سوم دیه کامل است.

باید توجه داشت فلج شدن بینی غیر از کج شدن و نیز غیر از فقدان بویایی است؛ زیرا حکم کج شدن ذیل ماده ۵۹۳ و حکم فقدان بویایی در ماده ۶۹۳ بیان شده است. به نظر می‌رسد منظور از فلج شدن آن است که بینی در مقابل ضربه حساسیتی از خود نشان ندهد.

ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی پیرامون سوراخ کردن هر دو طرف بینی اشعار می‌دارد: «سوراخ کردن هر دو طرف بینی و پرده فاصل میان آن، خواه با پارگی همراه باشد خواه نباشد، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، موجب یک‌سوم دیه کامل است و اگر بهبود یابد، موجب یک‌پنجم دیه کامل است».

مشابه حکم این ماده در ماده ۳۸۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین نحو مقرر شده بود: «از بین بردن هر یک از سوراخ‌های بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می‌باشد».

این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، سوراخ کردن هر دو طرف بینی با پارگی همراه باشد یا نباشد و در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، یک‌سوم دیه کامل دارد مشروط بر اینکه بهبود نیابد؛

دوم، سوراخ کردن پرده فاصل میان دو سوراخ بینی با پارگی همراه باشد یا نباشد و در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، موجب یک‌سوم دیه کامل است مشروط بر اینکه بهبود نیابد؛

سوم، در هر دو مورد پیشین اگر بهبود یابد، یک‌پنجم دیه کامل ثابت است.

فقهها در خصوص دیه از بین بردن یک سوراخ بینی اختلاف نظر دارند:

نخست، برخی دیه آن نصف دیه کامل است؛^(۵)

دوم، برخی دیگر اعتقاد دارند که دیه آن ثلث دیه کامل است؛^(۶)

سوم، گروه سوم می‌گویند دیه آن ربع دیه کامل است.^(۷)

ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی در ادامه ماده قبلی و پیرامون دیه سوراخ کردن یک طرف بینی بیان می‌دارد: «دیه سوراخ کردن یک طرف بینی در صورتی که بهبود نیابد یک‌نهم دیه کامل و در صورتی که بهبود یابد، یک‌بیستم دیه کامل است و دیه سوراخ کردن یک‌طرف بینی با پرده وسط آن در صورتی که بهبود نیابد دونهیم دیه کامل و در صورتی که بهبود یابد، یک‌پانزدهم دیه کامل است».

حکم این ماده نیز در ماده ۳۸۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بیان شده بود که مقرر می‌داشت: «از بین بردن هر یک از سوراخ‌های بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می‌باشد».

این ماده در مقام بیان چند حکم به شرح زیر است:

نخست، دیه سوراخ کردن یک طرف بینی در صورتی که بهبود نیابد یک‌نهم دیه کامل است؛

دوم، دیه سوراخ کردن یک طرف بینی در صورتی که بهبود یابد یک‌بیستم دیه کامل است؛

سوم، دیه سوراخ کردن یک‌طرف بینی با پرده وسط آن در صورتی که بهبود نیابد دونه‌م دیه کامل است؛

چهارم، دیه سوراخ کردن یک‌طرف بینی با پرده وسط آن در صورتی که بهبود یابد یک‌پانزدهم دیه کامل است.

در خصوص سوراخ کردن بینی، آنچه که حکم آن در این ماده و مواد مربوط به بینی نیامده، ارش ثابت است.

ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص پاره کردن بینی این‌گونه حکم کرده است: «دیه پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، یک‌سوم دیه کامل و اگر بهبود یابد یک‌دهم دیه کامل است».

مشابه حکم این ماده در قانون سابق پیش‌بینی نشده بود و این ماده از ابداعات مقنن محسوب می‌شود و در مقام بیان چند حکم به شرح زیر است:

نخست، دیه پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود و بهبود نیابد، یک‌سوم دیه کامل است؛

دوم، دیه پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، چنانچه بهبود یابد یک‌دهم دیه کامل است.

باید توجه داشت دیه از بین بردن نوک بینی، نصف دیه کامل است^(۸) و از بین بردن خود بینی، دیه کامل دارد.^(۹) ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است دیه آن را نصف دیه کامل دانسته است و اشعار می‌دارد: «دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است، نصف دیه کامل می‌باشد».

به لحاظ پیشینه تقنینی باید اشاره داشت: ماده ۳۸۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه حکم مندرج در ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر کرده بود: «دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل می‌باشد».

بر اساس این ماده، دیه از بین بردن نوک بینی نصف دیه کامل است و طبق ماده ۵۹۳ از بین بردن خود بینی دیه کامل دارد.

گفتار دوم: ديه لاله گوش

اهمیت شنیدن بر کسی پوشیده نیست و از سوی دیگر نقش گوش همانند بینی در ناحیه سر و صورت بر زیبایی چهره افراد بسیار تأثیرگذار است، لذا مقنن از ماده ۶۰۰ تا ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی به بیان احکام مربوط به ديه گوش اشاره دارد.

ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «از بین بردن دو لاله گوش ديه کامل و از بین بردن هر یک از آنها نصف ديه کامل دارد.

تبصره- از بین بردن نرمه هر گوش موجب یک‌ششم ديه کامل است».

مشابه حکم این ماده در مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) پیش‌بینی شده بود که مقرر می‌داشت:

ماده ۳۸۶: «از بین بردن مجموع دو گوش ديه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف ديه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب ديه همان مقدار، با رعایت نسبت به تمام گوش، خواهد بود».

ماده ۳۸۷: «از بین بردن نرمه گوش ثلث ديه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب ديه به همان نسبت خواهد بود».

در این ماده سه حکم به شرح زیر بیان شده است:

نخست، از بین بردن دو لاله گوش ديه کامل دارد؛

دوم، از بین بردن هر یک از دو لایه گوش نصف ديه کامل دارد؛

سوم، از بین بردن نرمه هر گوش موجب یک‌ششم ديه کامل است.

حکم این ماده مطابق با ماده ۵۶۳ این قانون تنظیم شده است که به موجب آن ديه هر عضو از بدن که دارای دو فرد است ديه کامل است که به هر فرد نصف ديه تعلق می‌گیرد و هر عضو که دارای یک فرد باشد، ديه آن کامل است؛ بنابراین ديه مجموع دو گوش، دو لب، دو فک، دو بیضه و دو دست و دو پا که از اعضای زوج است ديه کامل است و ديه بینی، زبان، گردن، ستون فقرات و نخاع که از اعضای فرد می‌باشد نیز ديه کامل است.

در این حکم بین گوش شنوا و ناشنوا یا معیوبی که لاله آن سالم است، فرقی وجود ندارد؛^(۱۰) زیرا فرضاً اگر گوش کر باشد عیب در لاله گوش نیست بلکه در قوه شنوایی است.

مقصود از لاله گوش همان گوش است.

در قانون برای جراحی وارده به لاله گوش ديه خاص در نظر گرفته نشده است و ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی هم ناظر به از بین بردن لاله گوش است نه جراحی وارده بر آن، لذا با توجه به صراحت تبصره ۱ ماده ۷۰۹ قانون مذکور، جراحی وارده بر لاله گوش، در حکم جراحی سر و صورت است که اگر از نوع حارصه باشد مطابق بند «الف» ماده اخیرالذکر موجب یک صدم ديه کامل است.^(۱۱)

ماده ۶۰۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص پاره کردن لاله گوش و نرمه گوش اشعار می‌دارد: «پاره کردن لاله

یک گوش، موجب یک‌ششم دیه کامل و پاره کردن نرمه یک گوش، موجب یک‌نهم دیه کامل است و در هر دو مورد در صورت بهبودی کامل، ارش ثابت است».

مشابه حکم ماده ۶۰۱ قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بیان شده بود که مقرر می‌داشت: «پاره کردن گوش ثلث دیه دارد».

در این ماده چند حکم به شرح زیر بیان شده است:

نخست، پاره کردن لاله یک گوش مشروط بر اینکه بهبود نیابد موجب یک‌ششم دیه کامل است؛

دوم، پاره کردن نرمه یک گوش، مشروط بر اینکه بهبود نیابد، موجب یک‌نهم دیه کامل است؛

سوم، در هر دو مورد به شرح بندهای پیشین، در صورت بهبودی کامل، ارش ثابت است.

اندازه پارگی از نظر کمیت، در میزان دیه موثر نیست.

عبارت‌های «ازبین بردن»، «پاره کردن»، «فلج کردن» و «قطع کردن» هر یک حکم خاص خود را دارد.

پیرامون ماده مذکور این پرسش قابل طرح است که قانون‌گذار در مورد میزان دیه گوش و نحوه محاسبه آن در مواردی که صدمه وارده موجب از بین بردن مقداری از لاله یا نرمه گوش باشد و همچنین صدمه وارده باعث پاره شدن مقدار کم یا مقدار زیاد در جهت طول لاله یا نرمه گوش باشد، ساکت است؛ بنابراین معیار برای محاسبه دیه چیست؟

در پاسخ باید گفت: در خصوص مواد ۶۰۰ و ۶۰۱ دیه از بین رفتن بخشی از لاله و نرمه گوش وفق ماده ۵۶۵ قانون مجازات اسلامی با استفاده از قاعده اصطیادی «نسبت سنجی» مورد محاسبه قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال برای پاره کردن نصف لاله یک گوش یک‌دوازدهم دیه کامل (نصف یک‌ششم) و برای پاره کردن یک‌سوم لاله یک گوش یک‌هجدهم (یک‌سوم از یک‌ششم) دیه کامل است و در خصوص نرمه گوش، پاره کردن نصف نرمه یک گوش موجب یک‌هجدهم دیه کامل و در صورت پاره کردن یک‌سوم نرمه یک گوش یک‌هجدهم دیه کامل تعیین می‌شود.

ماده ۶۰۲ قانون مجازات اسلامی در باب فلج کردن لاله هر گوش بیان می‌دارد: «فلج کردن لاله هر گوش دوسوم دیه آن و بریدن لاله گوش فلج‌شده یک‌سوم دیه آن را دارد».

ماده ۳۸۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه مقرر می‌داشت: «فلج کردن گوش دوثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد. تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود، برای هر کدام دیه جداگانه‌ای خواهد بود».

این ماده دو حکم را به شرح زیر مقرر می‌دارد:

نخست، فلج کردن لاله هر گوش دوسوم دیه آن را دارد؛

دوم، بریدن لاله گوش فلج‌شده یک‌سوم دیه آن را دارد.

با استفاده از عمومات و نیز مستنبط از ماده ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی، چنانچه گوش به‌طور نسبی فلج شود ارش ثابت است.

ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص قطع لاله گوش این‌گونه حکم می‌کند: «هرگاه لاله گوش به نحوی قطع شود که استخوان زیر آن ظاهر گردد علاوه بر دیه لاله گوش، دیه موضعه نیز باید پرداخت شود». متناظر حکم این ماده در قانون سابق وجود نداشت و حکم این ماده بر قاعده «عدم تداخل دیات» بنا شده است؛ زیرا لاله گوش یک عضو مستقل است که در جمع‌آوری اصوات و یافتن جهت صدا فعالیت می‌کند و علاوه بر آن دارای منفعت زیبایی نیز می‌باشد؛ پس اگر لاله گوش به تنهایی قطع شود دیه مستقل دارد اما ظاهر شدن استخوان، جراحت مستقلی است که دیه جداگانه دارد پس باید دیه موضعه نیز جدا پرداخت شود. حکم این ماده برای گوش شنوا و ناشنوا یکسان است؛ زیرا منفعت لاله گوش در شنوایی نیست.

ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص حکم دیه گوش شنوا و ناشنوا یا معیوب بیان می‌دارد: «گوش شنوا و ناشنوا یا معیوبی که لاله آن سالم و دارای حس و حیات کامل باشد در احکام این فصل یکسان هستند». ماده ۳۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه حکم مندرج در ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر می‌داشت: «گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند». علت حکم این ماده، آن است که شنوایی منفعتی خارج از لاله گوش است و در اینجا به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار به منفعت زیبایی توجه داشته است.

ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی در باب پاره کردن پرده گوش بیان می‌دارد: «پاره کردن پرده گوش موجب ارش است و اگر در اثر آن حس شنوایی نیز از بین برود یا نقصان پیدا کند، دیه آن نیز باید پرداخت شود». این ماده فاقد سابقه تقنینی در قانون سابق است و حکم این ماده مبتنی بر قاعده عدم تداخل اسباب است؛ یعنی با توجه به اینکه پرده گوش از نظر عرفی عضو محسوب می‌شود، دیه آن با دیه حس شنوایی به‌صورت جداگانه حساب می‌شود.

ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی در باب آسیب وارده به گوش که به شنوایی سرایت کند اشعار می‌دارد: «هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود هر کدام دیه جداگانه‌ای دارد».

مشابه حکم این ماده در قانون سابق وجود نداشت. در این خصوص باید توجه داشت، منظور از آسیب رساندن به گوش در این ماده، آسیب و جنایتی است که موجب دیه یا ارش است. همچنین واحد یا متعدد بودن ضربه، تأثیری در حکم این ماده ندارد.

گفتار سوم: ديه لب

مواد ۶۰۷ تا ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به ديه لب اشاره دارد. ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص از بين بردن لب بيان می‌دارد: «از بين بردن دو لب ديه کامل و هریک نصف ديه کامل دارد و ديه از بين بردن مقداری از لب به نسبت تمام لب محاسبه می‌شود.

تبصره- حدود لب بالا از نظر عرض مقداری است که لثه را می‌پوشاند و به دو روزنه و دیواره بینی متصل و طول آن همان طول دهان است و حدود لب پایین از نظر عرض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و طول آن همان طول دهان است. حاشیه گونه‌ها جزء لبها محسوب نمی‌شود».

حکم این ماده در ماده ۳۹۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بیان شده بود که مقرر می‌داشت: «از بين بردن مجموع دو لب ديه کامل دارد و از بين بردن هر کدام از لبها نصف ديه کامل و از بين بردن هر مقداری از لب موجب ديه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود».

این ماده در مقام بیان چند حکم در خصوص جنایت بر لب است:

نخست، از بين بردن دو لب ديه کامل دارد؛

دوم، از بين بردن هر لب نصف ديه کامل دارد؛

سوم، ديه از بين بردن مقداری از لب، به نسبت تمام لب محاسبه می‌شود؛

چهارم، حدود لب بالا از نظر عرض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و به دو روزنه و دیواره بینی متصل و طول آن همان طول دهان است؛

پنجم، حدود لب پایین از نظر عرض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و طول آن همان طول دهان است؛ ششم، حاشیه گونه‌ها جزء لبها محسوب نمی‌شود.

حکم موضوع این ماده، مورد اتفاق فقها نیست و نظریه‌های مخالفی نیز ارائه شده است.

ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص جمع شدن لب بیان می‌دارد: «جنایتي که باعث جمع شدن یک یا دو لب و یا قسمتی از آن گردد موجب ارش است خواه موجب نمایان شدن دندانها بشود خواه نشود».

ماده ۳۹۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه مقرر نموده است: «جنایتي که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می‌نماید».

این ماده در مقام بیان حکم جمع شدن لبهاست که در اصطلاح فقها «تقلص» نامیده می‌شود.

ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص سست و فلج شدن لب اشعار می‌دارد: «**جنایتي که موجب سست و فلج شدن هر یک از لبها گردد به گونه‌ای که با خنده و مانند آن از دندانها کنار نرود، موجب دوسوم ديه یک لب و از بين بردن هر یک از لبهای سست و فلج شده موجب یک‌سوم ديه آن است**».

مشابه حکم مقرر در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۳۹۳ و ۳۹۴ قانون مجازات (۱۳۷۰) بدین نحو پیش‌بینی شده بود:

ماده ۳۹۳: «جنایتی که موجب سست شدن لب‌ها بشود به طوری که با خنده و مانند آن از دندان‌ها کنار نرود موجب دو ثلث دیه کامل می‌باشد».

ماده ۳۹۴: «از بین بردن لب‌های فلج و بی‌حس ثلث دیه دارد».

این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، جنایتی که موجب سست و فلج شدن هر یک از لب‌ها شود؛ به‌گونه‌ای که با خنده و مانند آن از دندان‌ها کنار نرود، موجب دوسوم دیه یک لب است؛

دوم، از بین بردن هر یک از لب‌های سست و فلج شده موجب یک‌سوم دیه آن است.

منظور از سست شدن لب‌ها، همان فلج شدن است که در اصطلاح فقها «استرخاء» گفته می‌شود؛ زیرا سست شدن حاکی از عدم احساس لب‌هاست و به منزله فلج شدن است؛ بنابراین طبق ماده ۵۶۴ همین قانون، دیه آن دوسوم دیه همان عضو و از بین بردن عضوی که فلج است یک‌سوم دیه همان عضو را دارد و به همین دلیل قانون‌گذار ذیل همین ماده، از بین بردن لب‌های فلج و بی‌حس را مستوجب یک‌سوم دیه دانسته است.

در تفاوت جمع شدن و سست شدن لب می‌توان گفت سست شدن لب همراه با بی‌حرکتی است، اما در جمع شدن، لب حرکت خود را از دست نمی‌دهد.

ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی در حکم دیگری اشعار می‌دارد: «شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان‌ها شود، یک‌سوم دیه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، یک‌پنجم دیه کامل دارد. شکافتن یک لب موجب یک‌ششم دیه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، موجب یک‌دهم دیه کامل است.

تبصره- جراحات وارده بر لب هرگاه باعث نمایان شدن دندان‌ها نگردد در صورتی که از مصادیق حارصه، دامیه و متلاحمه باشد حکم جراحات مذکور را دارد».

ماده ۳۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه چنین مقرر کرده بود: «شکافتن یک یا دو لب به طوری که دندان‌ها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل خواهد بود».

این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان‌ها شود، در صورتی که بهبود نیابد، یک‌سوم دیه کامل دارد؛

دوم، شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان‌ها شود، در صورت بهبودی بدون عیب، یک‌پنجم دیه کامل دارد؛

سوم، شکافتن یک لب در صورتی که بهبود نیابد، موجب یک‌ششم دیه کامل است؛

چهارم، شکافتن یک لب در صورت بهبودی بدون عیب، موجب یک‌دهم دیه کامل است؛ پنجم، جراحات وارده بر لب هرگاه باعث نمایان شدن دندان‌ها نشود، در صورتی که از مصادیق حارصه، دامیه و متلاحمه باشد، حکم جراحات مذکور را دارد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بین موردی که یک لب شکافته شود یا دو لب، تفاوتی قائل نشده بود، اما در قانون جدید دیه شکافتن یک لب یک‌ششم است و برای شکافتن دو لب یک‌سوم دیه در نظر گرفته شده است و در صورتی که یک لب شکافته شود و بهبود حاصل شود، مستوجب پرداخت یک‌دهم دیه کامل است. در قانون مجازات اسلامی سابق، تبصره این ماده و حکم موجود در آن وجود نداشت.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۱۸۷ مورخ ۱۳۶۸/۷/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۲- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۷، صفحه ۳۷۶
- ۳- حلی، حسن بن یوسف بن علی (علامه حلی)، **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳، صفحه ۶۰۳
- ۴- حلبی، تقی بن نجم ابوصلاح، **الکافی فی الفقه**، تهران: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۲، صفحه ۹۹
- ۵- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، پیشین، صفحه ۳۷۶
- ۶- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، **قواعد الاحکام**، پیشین، صفحه ۶۰۳
- ۷- حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (ابوصلاح)، **الکافی فی الفقه**، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ نخست، ۱۴۰۳ هجری قمری، صفحه ۹۹
- ۸- ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)
- ۹- ماده ۵۹۳ همین قانون
- ۱۰- ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)
- ۱۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۳۷۹ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه